

مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی  
معاون ضمائم: محمد غمخور  
دبیر: زهرا قربانی

همکاران: حسین شکیب راد، امیرحسین علی نیافر، فاطمه کریمی، محمد طائب، طهوراروستا، مهیار گل محمدی، مریم شاه پسندی، فاطمه پورابراهیم، علیرضا عالی بیگی، ریحانه اوسطی، محمد طائب و عارفه مهرابی.

مدیر فنی: زرناز حسینی

صفحه آرا: آزاده روغنی

گرافیکست: محمد طائب

ویراستار: امیرعباس صباغ زاده

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴

JAMEJAM.NEWS

کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

info@jamejamdaily.ir

سید سپهر جمعه زاده حکیم

## حکیم طلایی

زمین زد و این گونه اعتراضش را به همه رساند و رفت پشت تریبون و سخنرانی غریبی کرد.

او، یعنی حکیم فرمود: «یارو با هزار دغل و دعوی و دزدی علمی و پژوهشی جذب برخی نهاد های علمی می شود، سالی چند و چند مقاله مشارکتی و کتاب بی سروته بیرون می دهد، حال جنابعالی می خواهی بنشیننی گوشه ای با دقت و توجه تمام در جمیع عمر با وسواس علمی، ۲-۳ متنی در ژورنال های خارجی چاپ کنی و مویی سفید کنی که شاید روزی مردم بحران زده جامعه قدر دانش و فضل را بدانند! این حرام کردن عمر است. باید زیر میز این شیاها زد.

اصرار بر رقابت با این شیاها مثل این است که تمام روز را گرسنه بمانی تا ثابت کنی در خانه حق با تو بوده! یا مانند این است که بروی معتاد شوی تا به همه بگویی تربیت خانواده ات را دوست نداری. چرا فضلا بیهوده برای تنبه و آگاهی قومی که نان نفهمی شان را می خورند تلاش کنند؟ راه حل قوی شدن است.

راه حل این است که لنگ یک قران دوزار فلان اندیشکده و دانشگاه نماند و حکمت را در وهله اول صرفا چراغی برای تنویر افکار و عقاید خود پیگیری نمود و در شئون بعدی اگر کسی یا جامعه ای یا ارگانی شعورش را داشت و تقاضایش بود عرضه شود. «

وقتی ارگان های علمی عصبانیت حکیم و پشیمانی او از طی چندین سال عمر علمی را در او دیدند از او خواستند دست نگه دارد و برود سراغ شغلی دیگر. این گونه حداقل جیبش بدون پول نمی ماند.

این طور شد که حکیم تشریف برد محله های اطراف تهران و تبدیل شد به دلال این کار؛ البته فقط یک چالش ریز برای حکیم به ارمغان آورد. حکیم بلد نبود غیرواقعی حرف بزند. این باعث شده بود که هیچ موفقیتی در این کار به دست نیآورد. بعد از هفت سال البته آسیب شناسی کردند و فهمیدند وقتی حکیم می خواهد مالی را بفروشد به عیب هایش نباید اشاره کند.

می کند! آن هم دوقلو.

به هر روی، حکیم در همین فکر بود که بر صفحه ای تبلیغاتی چیزی مشاهده کرد: «سرمایه گذاری در صندوق های طلا، ریسک های معمول خرید و نگهداری فیزیکی سکه طلا نظیر تقلبی بودن و سرقت را ندارد.

در عین حال، بازدهی این صندوق ها نزدیک به بازدهی سکه طلاست. علاوه بر این، معامله واحدهای صندوق های طلا معاف از مالیات بوده و امکان سرمایه گذاری در این صندوق ها با مبلغی بسیار کمتر از ارزش یک سکه طلا نیز امکان پذیر است.» او این مطلب را که شنید متوجه شد که می تواند حتی به اندازه ارزن هم که شده طلا بخرد و با بیشتر شدن قیمتش سود کند.

این شد که حکیم آن منزل را فروخت و همه پولش را داد شمش طلا به ارزش چند گرم ناقابل. آن شمش را هم تحویل بانک داد تا از روش سنتی حفاظت از شمش در زیر بالشش پرهیز کند.

قصه، او این کار را هم کرد و چندین اوشلوق پول بی زبان را طلا خرید. البته آن دسته پول های خوش زبان و سروزبان دار را دیگر طلا نخرید و سعی کرد چنین چیزی را کلکسیون کند تا محلی دیدنی شود. روزها به همین منوال گذشت و سرمایه حکیم در بانک بود. تا روزی که تصمیم گرفت برود و شمش ها را بفروشد و بزند به زخمی. اما تا این کار را کرد فهمید قیمت طلا ریزش داشته و ارزش طلای چند اوشلوقی اش حالا فقط چند ریال ناقابل می لرزد.

او در این قسمت از برنامه بسیار برآشفست، آستین و دستار پاره نمود و بر

را شکر می کرد که اقشار کم درآمدی مثل او بالاخره با استفاده از این مسکن در تهرانی که خرید خانه به اندازه سفر به ماه سخت و حیرت انگیز شده است، می توانند خانه دار شوند و کلاه شان را هم بیندازند بالا جهت خوشحالی.

البته حکیم قرارداد خانه را امضا زد و تا چند ماه رفت زیر بار قسط هایی ۴۰ اوشلوقی. روزهای اول که پول حاصل از فروش کلیه اش را خرج می کرد البته مشکلی نبود اما مشکل از آنجا شروع شد که دومین کلیه اش در مزایده بانک گرو بانک ماند تا دیگر حکیم عضو خاصی برای فروش نداشته باشد.

البته نه این که اعضای نمانده باشد برای فروش. مانده بود! منتها کسی خریدار نبود! ضمنا در همان ماه قسط خانه را هم از ۴۰ به ۱۶۰ اوشلوق تغییر دادند تا حکیم آخرین ضربه را هم محکم تر بخورد.

او با خود فکر می کرد اگر ۱۶۰ اوشلوق پول داشت که رفیق خوانساری می خواست چه کند و اصلا مگر این طرح نیامده بود تا کم درآمدها را خانه دار کند؟ الان که بیشتر دارد کم درآمدها را صاحب فرزندان

حکیم را روزی توفیقی حاصل شد که در یک قرعه کشی خانه برنده شود و جایزه ای گیرش بیاید. چیزی که سابقه ای نداشت و معمولا شانس حکیم در این حوزه ها با شانس اینجانب در عرصه تحصیل مو نمی زد.

خوب است در خصوص شانس خود در عرصه تحصیل همین قدر اشاره کنم که این بنده هربار می خواستم زبان انگلیسی ۲ را که افتاده بودم پاس کنم، کتاب هایش عوض می شد و مجبور بودم براساس کتاب های جدید امتحان دهم و باز وقتی می افتادم مجدد نظام آموزشی تغییر می کرد و از ۵-۴-۳ به ۶-۳-۳ عوض می شد.

القصه، او، یعنی حکیم، خانه ای که به اسمش درآمده بود دریافت نمود، اما متوجه شد خیلی خوش شانس هم نبوده و خانه اش جزو منازل مسکن ملی است که باید هر چند وقت یک بار حدود ۴۰ اوشلوق پول بدهد تا روند خانه تکمیل شود.

او حتی برای اطمینان به منطقه ساخت و ساز خانه هم سری زد، ولی متوجه شد که از آن خانه فعلا تنها ایده اش تکمیل شده و در حال حاضر فقط خاک و شن و ماسه است که گیرش آمده است. اما با وجود این خدا



برگ سبز سواری پژو پارس به رنگ مشکی مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۸۴-۶۳۲۷ ۶۸ و شماره موتور 124k0216186 و شماره شاسی NAAN01CA4DK832319 به نام مهران جعفری رنجیر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت و سند کمپانی خودرو سواری تویوتا کمبری GLX2500 مدل ۲۰۱۴ به رنگ سفید صدفی متالیک شماره انتظامی ایران ۵۲-۲۶۹ ص ۹۲ شماره موتور 2ARU112029 شماره شاسی 6T1B4FK4EX508283 به مالکیت زهره رضایی مارینی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

سند و برگ سبز خودرو سواری سمند ایکس ۷ مدل ۱۳۸۴ به رنگ تیره ای متالیک شماره انتظامی ایران ۴۲-۴۸۸-۶۹ شماره موتور 2005721 شماره شاسی 15502779 به مالکیت احمد صادقی درمیانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو پراید رنگ سفید مدل ۱۳۷۴ با شماره موتور 00837897 و شماره شاسی S1412274509621 و شماره پلاک ۵۵ ن ۹۱۱ ایران ۶۸ به نام مهرداد بایسته تارات مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز سواری سایپا ۱۳۱ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ۸۴-۸۹۶ ق ۴۶ و شماره موتور M135903223 و شماره شاسی NAS411100H1023186 به نام الهه رهبرانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ کمپانی سواری هاج یک چری TIGGO 5-CVT مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور MVM484FTAG004622 و شماره شاسی NATGBATL1G1004039 به شماره پلاک ایران ۱۲-۵۵۴ ق ۹۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو پارس PARSXU7 مدل ۱۴۰۱ به رنگ خاکستری شماره انتظامی ایران ۶۷-۱۴۲ ب ۷۱ شماره موتور 124K1671559 شماره شاسی NAAN01CE9NK901679 به مالکیت مهدی رضوی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، برگ سبز و کارت شناسایی خودرو چری TIGGO 5 مدل ۹۵، رنگ سفید، پلاک انتظامی ۲۹۱ د ۵۱ ایران ۷۶، شماره موتور MVM484FTAF002083، شماره شاسی NATGBATL7G1001291 به نام منصور پیدانی حصاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.